

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۷۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۱ خرداد ۱۳۹۰، ۱ ژوئن ۲۰۱۱

سردبیر: عبدل گلپریان

## اعتصاب کارگران کوره پزخانه های منطقه ساروقامیش بوکان با موفقیت پایان یافت



عمومی کارگران کوره های آجرپزی منطقه ساروقامیش برای رسیدن به خواست افزایش دستمزدها عامل مهمی در به موفقیت رسانیدن این اعتصاب بود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری پیروزی کارگران کوره های آجرپزی منطقه ساروقامیش را به همه کارگران تبریک می گوید. ما همچنان بر تداوم هرچه بیشتر اتحاد و همبستگی و برگزاری مجمع عمومی منظم کارگران کوره های آجرپزی تاکید میکنیم و تصمیم جمعی کارگران را کلید پیشروی و پیروزی کارگران میدانیم.

در اطلاعیه قبلی به اطلاع رسانیدیم که کارگران کوره های آجرپزی منطقه ساروقامیش بوکان از ۳۱ اردیبهشت دست به اعتصاب زده و خواهان افزایش دستمزدهایشان به ازای ساخت هر یکهزار قالب آجر به میزان ۳۵۰۰ تومان برای چرخ کش و ۱۰۰۰ تومان برای کوره چین می باشند. بنا به خبرهای دریافتی در روز دوشنبه ۹ خرداد، سرانجام این اعتصاب بعد از یک هفته نمایندندگان کارگران در مذاکره با کارفرما و فرماندار بوکان توانستند ۷۳۰ تومان افزایش دستمزد را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند و اعتصاب را با موفقیت به پایان برسانند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری  
۳۰ مه ۲۰۱۱  
۹ خرداد ۹۰

اتحاد، همبستگی و تصمیم  
قاطعانه بر ادامه اعتصاب در مجمع

## یک دختر ۱۹ ساله در اوکراین سنگسار شد جنبش سیاه اسلامی باز هم قربانی گرفت

صفحه ۴

## داستان چپ حاشیه ای و تشکلهای کارگری در حاشیه افاضات چپ سنتی در مورد اول مه ۱۳۹۰

صاحبه چهرهای بانفوذ و سرشناس و درعین حال مدافع امنیتی دست و پنجه نرم میکنند و با وجود همه این معضلات قدم به قدم متشکل تر شده و راههای مقابله با سیاستهای ضد کارگری و ضد انسانی حکومت اسلامی را پیدا کرده و به پیش میروند. اول ماه مه در ایران همواره یک شاخص مهم ارزیابی جنبش کارگری و رهبران کارگری بوده است. اول ماه مه امسال چند نهاد و تشکل کارگری بیانیه مشترک داده و یک گام بزرگ به جلو برداشتند. اکنون جنبش کارگری در ایران

جمهوری اسلامی، کارگران با مشکلات متعدد مالی و امنیتی دست و پنجه نرم میکنند و با وجود همه این معضلات قدم به قدم متشکل تر شده و راههای مقابله با سیاستهای ضد کارگری و ضد انسانی حکومت اسلامی را پیدا کرده و به پیش میروند. اول ماه مه در ایران همواره یک شاخص مهم ارزیابی جنبش کارگری و رهبران کارگری بوده است. اول ماه مه امسال چند نهاد و تشکل کارگری بیانیه مشترک داده و یک گام بزرگ به جلو برداشتند. اکنون جنبش کارگری در ایران



محمد آسنگران

به مناسبت فعالیتهای اول مه ۱۳۹۰ و ارزیابی از آن، مباحثی از جانب افراد و جریانات "چپ" مطرح شده است که پرداختن به آن برای شناخت بیشتر این چپ خالی از لطف نیست. در ایران تحت حاکمیت

## روز حمایت از زندانیان سیاسی در ایران را هر چه کوبنده تر برگزار کنیم!

شهر در جهان به این فراخوان پاسخ داده اند. حمایت از این کارزار جهانی در اشکال مختلف از برپایی تظاهرات در میادین اصلی شهرهای کوچک و بزرگ از اروپا تا کانادا و استرالیا تا برگزاری نمایشگاه عکس، کنسرت و چادرهای اطلاعاتی اعلام شده است.

سرکوب انقلابیون و مخالفین سیاسی، در سی خرداد بخود رسمیت داد! اعلام بیستم ژوئن - سی خرداد - بعنوان سالروز حمایت از زندانیان سیاسی بعنوان یک اقدام اعتراضی بین المللی و سراسری با استقبال وسیعی روبرو گردیده است. در خارج کشور تا کنون قریب چهل

بیستم ژوئن ۲۰۱۱ - سی ام خرداد ۱۳۹۰ - فقط یک روز نیست! آغاز سلطه خونبار حکومتی قرون وسطایی و خونریز، سالروز تولد واقعی جمهوری اسلامی است. سی خرداد خود یک تاریخ سیاه برای کل بشریت متممن و هزاران خانواده سیاسی در ایران است. هیولای جمهوری اسلامی با کشتار و

صفحه ۵

### ادامه اعتصاب کارگران کوره پزخانه های منطقه ساروقامیش

صفحه ۲

سنگر و استحکامات مالی ایران خرد میشود آلمان تصمیم میگیرد بانک تجارت ایران - اروپا را ببندد

صفحه ۴

خانواده فتحی خواهان اعزام یک هیئت از سوی سازمان ملل برای رسیدگی به اعدام وحشیانه فرزندان خود هستند

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## داستان چپ حاشیه ای و تشکلهای کارگری ...

از صفحه ۱

پرداخت و همچنین به آن پاسخ داد. برای آشنا شدن خواننده بهتر است کمی از درافشانیهای آنها را در اینجا نقل کنم.

در این بحث فاکتیهایی از نویسندگان بسیار رادیکال و مدافع کارگر را مشاهده میکنید که ضد کارگری ترین روش و سیاست را پیشه خود کرده اند. نمونه های زیر گوشه هایی از نوشته آنها در ضمیمه با تشکلهای کارگری بطور کلی و علیه فعالین کارگری تشکلهای موجود نوشته شده اند را مشاهده میکنید.

يك محفل از این نوع چپ در اشاره به مراسمهای اول مه و ارزیابی از آن نوشته است این مراسمها: "چیزی نبود جز همان مراسم فعالان کارگری که این بار زیر نام این تشکلها اجرا می شد." به نقل از "کمیته لغو کار مزدی"

"اعتصاب کارگران پتروشیمی ماه شهر - جدا از این که به اهداف مورد نظر نرسیده است - در کنار اکیسون موفق سندانج البته ملاک مناسبی برای ارزیابی روند نامناسب منتهی به یکی از بی رونق ترین يك مه های دهه ی اخیر نمی تواند باشد. محمد قرا گوزلو

افاضات آقای قرا گوزلو پاسخی لازم ندارد. او محترم تر بود اگر مثل ۳۰ سال قبل در خواب زمستانی بسر میبرد. اما جامعه خواب نبود.

چپهایی بودند که منقرض شدند و ایشان یکی از ترکشهای آن جنبش منقرض شده است. کسی که با آن سابقه بخواهد امروز زبان باز کند انتظار این است که پیشرویهایی کمونیسم در ایران را که خود او مورد تقدش بوده است ببیند و اگر حرفی برای گفتن دارد بزند. در غیر اینصورت با قایم باشک بازی نمیتوان صندلی را تغییر داد و حق به جانب ظاهر شد.

یکی دیگر از همین طیف چپ سنتی چنین نوشته است: "تلاش ما برای این است که بگویم این تشکلها برای کارگران مفید نیستند." از اسد گلچینی عضو رهبری حزب حکمتیست

متفکر" این جریان کورش مدرسی در دامن آنها گذاشته است.

یکی دیگر از اعضای این جریان که بعد از "گارد آزادی" کارگر را تازه کشف کرده است چنین میگوید: "ما از مدتها قبل از برگزاری اول ماه مه امسال تلاش کردیم که مراسم اول ماه مه در مرکز شهرهای کردستان برگزار شود در مقابل نهادهای دیگری که بنام دفاع از کارگر فعالیت میکنند مانند کمیته هماهنگی و یا اتحادیه آزاد کارگری که با تاثیر گرفتن از سیاستهای احزاب چپ غیرکارگری مراسم اول ماه مه را در خارج شهرها برگزار کرد". از رحمت فاتحی باز هم از رهبری حزب حکمتیست

سوال این است بالاخره این جماعت منهای "کمیته لغو کار مزدی" که ظاهرا از يك حزب هستند و همه جور کالایی در چنته دارند و به نرخ روز یکی از این کالاهای بنجل را بدون تعمق منتشر میکنند، چگونه میتوانند خود را قانع کنند و خطاب به مردم حرف بزنند؟

چند عضو مرکزیت يك "حزب" در مورد يك موضوع مشخص، چند سیاست متضاد را مطرح میکنند و به روی مبارکشان هم نمی آورند. کسی نیست بگوید بالاخره تکلیف مخاطب خود را روشن کنید آیا کارگران بهتر بود بیرون بیایند و در مراکز شهرها جمع کنند؟ آنطور که رحمت فاتحی مدال افتخارش را به سینه حزیش آویزان میکند و یا در خانه بمانند؟. آنطور که کورش مدرسی گفته است، و یا به خیابان آمدن جرم نابخشودنی محسوب میشود؟ آنطور که محمد فاتحی نوشته است و یا همه این تاکتیکیها را باید بکار گرفت؟ آنطور که مظفر محمدی نوشته است.

نگاه کنید به این دو نقل قول: محمد فاتحی یکی از رهبران این جریان به کارگران گفت به خیابان نروید و تحت تاثیر مسایل سیاسی و مخالفت با جمهوری اسلامی قرار نگیرید و رحمت فاتحی یکی دیگر از اعضای این جریان نوشته است به خیابان رفتن کارگران سیاست حزیش بوده و گویا تشکلهای کارگری مخالف آن بوده اند! و گویا می کنند که تشکلهای موجود مانع به خیابان

## ادامه اعتصاب کارگران کوره پزخانه های منطقه ساروقامیش



خانواده ها انجام می شود که بدلیل وضعیت معیشت و پایین بودن دستمزدها حتی کودکان زیر سن قانونی بکار گرفته می شوند. کارفرمایان و نهادهای دولتی سهیم و حامی آنان با ایجاد شرایطی برده وار در کوره پزخانه ها، ثروتهای افسانه ای برای خود دست و پا کرده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتصاب کارگران کوره پزخانه های منطقه ساروقامیش حمایت میکند و آنها را به برگزاری مجمع عمومی برای تصمیم گیری متحد و یکپارچه فرامیخواند و از سایر کارگران می خواهد که از این اعتصاب و خواست کارگران حمایت کنند. نباید اجازه داد که مفتخوران سرمایه دار کارگران را بیش از این در فقر و تنگدستی نگه دارند. با حمایت از کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش باید این اعتصاب را سراسری کرد و کارفرمایان انگل را وادار به قبول مطالبات همه کارگران آجرپزی ها کرد.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری  
۲۷ مه ۲۰۱۱  
۶ خرداد ۹۰

کار در کوره پزخانه های آجرپزی از سخت ترین کارهای کارگران در این بخش است که از ابتدایی ترین امکانات، تسهیلات، ایمنی محیط کار و دستمزد متناسب با سطح تورم برخوردار نیستند. در کوره پزخانه ها، کار آجرپزی توسط

رفتن شده بودند. در ادامه این "افتخارات" البته يك موضع دیگر در این "حزب" هم بود. مظفر محمدی هر دو را یکجا گفت و اطلاعیه رسمی حزیشان میانگین همه اینها را نوشت. سوال من این است اگر يك آدم بی طرف بخواهند سیاست شما را دنبال کند نوشته های کدامیک از شما مبنا است. کدام يك از این افاضات درست است. مخاطب را کنار بگذارید آیا جوابی برای خودتان دارید؟

اما از حق نباید گذشت همه این "رهبران" که تازگی متوجه شده اند کارگر هم مهم است آرزوی منحل شدن تشکلهای موجود کارگری را

دارند. دوستانی که اکنون کارگر برایشان موجود مهمی شده است، چرا با همه تناقضاتی که با همدیگر دارند بر سر منحل کردن این تشکلهای کارگری موضع واحدی اتخاذ کرده و اشتباهات هم سهوی در کارشان دیده نشده است؟ این سیاست را نه اکنون بلکه از همان روز اول هم پیگیری کرده و اگر زورشان میرسید جلو تشکیل شدن آنها را می گرفتند. زورشان نرسید اکنون سیاست منحل کردن آنها را در پیش گرفته اند. خوشبختانه کسی فشار آنها را احساس نکرد و

## داستان چپ حاشیه ای و تشکلهای کارگری ...

از صفحه ۲

زندگی طور دیگری سیر کرده است.

محمد فتاحی این تشکلهای را به جرم به خیابان آمدن علیه جمهوری اسلامی میخواند منحل کند، فاتحی به جرم به خیابان نیامدن، مظفر محمدی هم به هر دو جرم میخواند آنها را منحل کند. اسد گلچینی از پایه با آنها مشکل دارد و وجودشان را مضر میدانند. آیا اینها بیان سیاست و تاکتیک یک حزب سیاسی است یا داد و فریاد تعدادی سرگردان، سکتاریست، غیر مسئول و از همه جا بیخبر که در میان جنجالی که به پا کرده اند حتی حرف خودشان را هم نفهمیده اند؟

اما در پاسخ به "کمیته لغو کار مزدی" (که معلوم نیست این چه صیغه ای است وارد ادبیات فارسی شده است، زیرا تا کنون کمیته کارگری، کمیته کمونیستی، کمیته اعتصاب و کمیته هماهنگی برای پیشبرد یک فعالیت معین و غیره را شنیده بودیم، اما این یکی را

اعتراف میکنم نه من و نه احتمالا هیچ کمونیستی قبلا به گوشش نخورده است. البته این هم از کرامت شیخ است)، که در مورد مراسمهای اول مه چند سال گذشته و امسال چنین نوشته اند: این مراسمها "چیزی نبود جز همان مراسم فعالان کارگری که این بار زیر نام این تشکلهای اجرا می شد".

باید بگوییم:

اولا در چند سال گذشته که هزاران کارگر در این مراسمها شرکت کرده اند اگر به زعم این "رادیکالها" همه شان عضو و جزو این تشکلهای بوده باشند و همه آنها فعالین کارگری این تشکلهای بوده اند که هیجان انگیز است. پس چرا فرمان انحلال آنها را میدهد؟ اگر تشکلهایی توانسته اند تا این حد نقش داشته باشند، جای تحقیر و دست کم گرفتن آنها نباید باشد بلکه باید طرفداران کارگران از این حرکت تجلیل کنند. چون بر اساس عکس و فیلم و مستندات غیر قابل انکار در مراسمهای این چند ساله هزاران کارگر و انسان معترض شرکت کرده اند.

اما در پاسخ کینه توزانه "حکمتیستها" باید محترمانه عرض کنم که این جماعت هر کدام شیپوری به دست گرفته و از سر گذاشت

مشغول به صدا در آوردن هستند نه حتی نواختن. آنها همزمان هم مخالف به خیابان آمدن کارگران هستند و هم موافق. هم تشکل را خوب میدانند و هم مخرب. برای آنها مراسم اول مه در کارخانه هم از کشفیات ناب و مهم محسوب میشود هم محدود کننده و به ضرر کارگر.

برخلاف چپ سنتی و حاشیه ای، همه تشکلهای کارگری موجود و گرایشات درون جنبش کارگری در این جنبش تا کنون مسئله و مشغله اشان متحد کردن و پیشروی جنبش کارگری و عبور از این برزخی بوده است که حاکمان به جامعه تحمیل کرده اند. مراسمهای اول مه هم اگر در چند سال اخیر ابعاد دهها هزار نفره به خود نگرفته است دلیل اصلی آن توحش جمهوری اسلامی بوده است نه وجود تشکلهای کارگری!!

کسی که میخواهد کارگران ایران را از این حداقل تشکل هم محروم کند بدون اینکه بخواهد و بتواند تشکل مناسبتری به جای آن بگذارد، آشکارا یک سیاست ضد کارگری را نمایندگی میکند. زیرا کارگران را از همین حداقل سازماندهی موجود هم میخواند محروم کند. کاری که جمهوری اسلامی سالها است فراخوان میدهد و با زور سرکوب و دستگیری و شکنجه و شلاق و غیره موفق به آن نشده است. در کمال تأسف باید گفت که اکنون همان فرمان انحلال تشکلهای کارگری با رنگ و لعاب دل سوزی برای کارگر را از زبان یک عده آدم غیر مسئول و پرت به اسم "چپ" میشنویم. تا کنون وزارت اطلاعات دهها فعال کارگری دستگیر شده را تحت فشار قرار داده است که از این تشکلهای دوری کنند. شرط آزادیشان از زندان را استعفا از این تشکلهای اعلام کرده است. وزارت اطلاعات نتوانسته به این هدف برسد اما کسانی به اسم چپ و دلسوزی برای کارگر دارند همان سیاست را مطرح میکنند.

مظفر محمدی که حمله به این تشکلهای و متفرق کردن آنها را هدف خود و حزیش قرار داده است از همان اواسط دهه ۸۰ شمسی به این منجلاب لغزید. خرابکاری و کاریکاتور سازیهای این جریان راه به

جایی نبرد و شکست خورد. تشکلهای کاغذی که او میخواست آلترناتیو این تشکلهای بشوند سرنوشتشان لااقل برای من و حزب ایشان معلوم است. اما از قرآن پیدا است که آن تجارب شکست خورده هنوز اینها را به تعمق و تفکر وادار نکرده است.

او میگوید: "این گرایش (کمیته هماهنگی و اتحادیه آزاد کارگران ایران) فعال کارگری را هم زمانی قبول دارد که عضو سازمانش باشد. به همین دلیل فعال کارگری جوشکاران و یا خبازان و غیره را از خود نمی داند. زمانی از خود میداند که عضو کمیته هماهنگی یا اتحادیه آزاد باشد. وقتی نیست، بنا براین برگزاری اول مه مشترک همه کارگران و با همکاری همه فعالین کارگری صرفنظر از این و آن صنف و صرفنظر از این و آن گرایش در قاموس این سنت غیر کارگری نمی گنجد."

به نقل از نوشته مظفر محمدی

مظفر محمدی چنان حرف میزند انگار فعالین کارگری در میان جوشکاران و خبازان و غیره به فرمان او به دم در خانه کمیته هماهنگی و اتحادیه رفته و آنها بازی اشان نداده اند. همچنانکه شهلا دانشفر نوشته بود شما بیخبرید و در تاریکی قدم برمیدارید. جهت اطلاع شما و رهبری "حزب شما باید بگویم که همان فعالین جوشکار و خباز در تجمع مرکز شهرسندج حضور داشته و همه آنها با هم در یک صف بودند. اگر سیاست اعلام شده شما قبل از اول مه را کسی جدی نگرفته و یا حتی نشنیده است که فرموده بودید به خیابان نیابند مشکل جای دیگری است. باید فکری به حال تصورات ذهنی خودتان بکنید آن فعالین تره هم برای رهنمودهای این چنینی خورد نکرده و نمیکند. شما هم بهتر است حرف خودتان را بزنید و نماینده خیالی فعالینی نشوید که نه سیاست شما را شنیدند و اگر هم میشنیدند وقتی به آن نمیکناشتند. در ضمن مشکل شما این نیست که چرا کارگران قبل از اول مه به خارج شهر رفته و مراسم برگزار کرده اند. چون اگر مشکل این بود همان کارگران همراه بقیه فعالین و مردم آزادخواه سندج در روز اول مه در

مرکز این شهر با پرچمهای سرخ سد امنیتی رژیم را شکستند و راهپیمایی با شکوهی سازمان دادند و با این حساب مشکل شما حل شده بود. اما درد جای دیگری است.

توضیح این مشکل را رفیق کنار دستیت به اقتباس از گفته و سیاستهای کورش مدرسی چنین بیان میکند:

"در سال های قبل نیز این نهادها تحت تاثیر جنبش مخالفت سیاسی با رژیم اسلامی همیشه تقلائی شان برای برگزاری مراسم اول مه در خارج از مراکز کارگری و کارخانه ها بوده است. خیابان، پارک، میداین شهرها، کوه و دشت و دمن همه جا برای این سنت محل شکل دادن به تجمع بوده جز کارخانه و محل کار میلیونی." به نقل از نوشته محمد فتاحی

میبینید که کارگران چه گناهی کرده اند که "تحت تاثیر جنبش مخالفت سیاسی با جمهوری اسلامی!!" قرار گرفته اند و به خیابان آمده اند. پس همچنانکه

گفتم مشکل شما این نیست که چرا کارگران به خارج شهر رفته اند. مشکل آنجا است که کارگران "تحت تاثیر مخالفت سیاسی با رژیم اسلامی" به خیابان آمده اند. مشکل این است که شما فرموده بودید مردم در خانه بمانید و به خیابان نیابید. اکنون چون به خیابان آمده اند مثل میلیونها انسان معترض دیگر که به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند مورد غضب شما قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی که تیغ به روی جامعه کشیده است از به خیابان آمدن کارگران هراس دارد اما هنوز این را نمی فهمد شما که بیش از سی سال است اپوزیسیون این رژیم هستید چرا از به خیابان آمدن کارگران ناراحت و نگران می شوید؟

"فعالین متشکل در نهادهای با عنوان کارگری اهداف خود را دارند. اینها در این دوره هواداران و فعالان جنبش جاری، جنبش انقلابی یا اعتراضی یا انقلابی (که عنوان سبز در بسته بندی های ایدئولوژیک مورد پسند این چپ اند) بودند و اول مه منجمله سال گذشته را هم با سنت خیابانی همین سبز برگزار کردند."

محمد فتاحی

## یک دختر ۱۹ ساله در اوکراین سنگسار شد جنبش سیاه اسلامی باز هم قربانی گرفت



تاز جریانات اسلامی است، قاطعانه حمایت کنند. سرنگونی حکومت‌های اسلامی و در رأس آنها جمهوری اسلامی، بشریت را از شر سنگسار و سایر جنایات اسلام سیاسی رها خواهد کرد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۳۱ ماه مه ۲۰۱۱  
۱۰ خرداد ۱۳۹۰

ضدانسانی خود را بر سرنوشت زنان و کل جامعه تحمیل میکنند. راه پایان دادن به سنگسار نیز پایان دادن به عمر حکومت‌های اسلامی و در رأس آنها جمهوری اسلامی است که محرك و الهام بخش اصلی سنگسار توسط دار و دسته‌های اسلامی از جمله در اوکراین است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار از مردم آزادیخواه اوکراین که در جریان کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی صحنه‌های شوکه‌مندی در دفاع از انسانیت و بر علیه وحشیگری اسلامی خلق کردند می‌خواهد که به میدان بیایند و جنبش اسلامی را با تمام قوا عقب برانند. تردیدی نداشته باشید که همه ما در این مبارزه در کنار شما خواهیم بود. از همه مردم شریف جهان می‌خواهیم یکبار دیگر علیه سنگسار و کل جریانات و دولت‌های اسلامی به میدان بیایند و از مبارزه مردم آزادیخواه در اوکراین و ایران و سایر کشورهایی که میدان تاخت و

طبق اخباری که امروز در رسانه‌های بین المللی منتشر شد، کاتیا کورن دختر جوان ۱۹ ساله، بعد از شرکت در یک مسابقه ملکه زیبایی در اوکراین، توسط سه جوان در نزدیک روستای محل زندگی سنگسار شد. جسد این دختر جوان که از یک هفته قبل گم شده بود، در منطقه کریمه در نزدیکی خانه اش پیدا شد.

سه جوان متهم هستند که کاتیا را سنگسار کرده و جسدش را در این منطقه دفن کرده اند. تا کنون یک نوجوان ۱۶ ساله به نام "بیحال گازیوف" دستگیر شده و به پلیس گفته است که کاتیا قانون اسلامی شریعه را زیر پا گذاشته و طبق قانون خدا باید کشته میشد.

سنگسار کاتیا، برگ دیگری به پرونده سیاه جنبش اسلامی افزود. جنبشی که با جنایت و سربریدن و چشم در آوردن و سنگسار، فضای وحشت و ناامنی در بین مردم ایجاد کرده و از این طریق قدرت سیاه و

## داستان چپ حاشیه ای و تشکلهای کارگری ...

از صفحه ۳

انصافا بگویید چرا خیابان رفتن و رو در رویی با حکومت و دادن بیانیه ای همچون بیانیه امسال که سند محکومیت کامل جمهوری اسلامی و سرمایه داری و ظاهر شدن در نقش رهبر جامعه و جنگیدن با یک حکومت جنایتکار اینچنین با اخ و تف شما روبرو میشود. در کجای دنیا وقتی که حکومت دچار بحران سیاسی و تلاطم اجتماعی میشود کمیونست‌ها به کارگران گفته اند، برگردید به کارخانه و سنگر اقتصادی مهم است و در این آئینه و در این قامت خود را ببینید، نه در قامت رهبر کل جامعه و در حال مبارزه در سنگرهای مختلف برای پایان دادن به عمر ننگین حاکمان وقت؟

اینجا مظفر محمدی پشتک

وارو میزند و مقصر دستگیری و شکنجه و آزار کارگران توسط حکومت فاشیست اسلامی را خود رهبران کارگری میدانند و با قیافه حق به جانب، انگشت اتهام را بسوی رهبران کارگری می‌گیرند، متوجه نیست که بیان این سیاست او را در کنار خانه کارگر و شوراها ی اسلامی قرار می دهد.

حال باید از مظفر محمدی و محمد فتاحی و اسد گلچینی و

بقیه "متفکرین" از نوع کورش

مدرسی در عین حال پرسید اگر

فعالین تشکلهای کارگری فرقه های خارج از سوخت و ساز جنبش

کارگری و مضر هستند اعتبار و نفوذی که خودتان بیان کرده اید را

از کجا کسب کرده اند. این چگونه فرقه ای است که هم با نفوذ و با

اعتبار است، هم تظاهراتها و تجمعات داخل شهر و خارج شهر

را سازمان میدهد و هم حاشیه ای و غیر موثر است. این تشکلهای

موجود فعالین کارگری چگونه موجودات و فرقه هایی هستند که

همه آنها با هر گرایشی پای یک قطعنامه را امضا میکنند و

ادعائنامه واحدی را علیه نظام حاکم اعلام میکنند. این فرقه ها

چگونه خصوصیتی دارند که به قول خودتان در هر شهری دهها

فعال کارگری با نفوذ و با اعتبار همراهشان است اما باید شعار

انحلالشان را هم داد. آیا این موارد کسی از شما را به تعمق وادار میکند؟

\*\*\*

این نوع ادبیات واقعا شایسته هیچ کس و بالاخص فعالین سه دهه مخالفت با جمهوری اسلامی نیست. کمی به این سیاست و ادبیات عجیب و غریب خودتان فکر کنید. ببینید در کجای سیاست قرار دارید و کنار کی ایستاده اید.

شماها از یک طرف این تشکلهای را مضر فرض میکنید و

دستور انحلال آنها را داده اید از طرف دیگر میگویید: "ده ها

فعال کارگری در اتحادیه آزاد کارگران دورهم جمع اند که هر کدام

در میان بخشهایی از کارگران دارای نفوذ و اعتبار اند." خوب اگر

همین دهها فعال کارگری فقط در سنج تا این حد اعتبار دارند و

لاید در شهرهای دیگر هم به همین سیاق دهها فعال دیگر با همین

اعتبار در همه تشکلهای دیگر وجود دارند و متحدانه با هم

فعالیت میکنند به فرض اینکه با فعالین دیگر مورد نظر شما که

کسی ظاهرا آنها را نمیشناسد هماهنگ نشده اند، چرا پرچم

انحلال این تشکلهای را به دست گرفته اید؟

عجیب تر این است که همین فعالین با نفوذ و با اعتبار کارگری

چند خط بعدتر از نظر مظفر محمدی تبدیل به کسانی میشوند

که به وحدت کارگران ضربه میزنند

## سنگر و استحکامات مالی ایران خرد میشود آلمان تصمیم میگیرد بانک تجارت ایران - اروپا را ببندد

دولت آلمان این تصمیم را بگیرد. وقتی اواخر فوریه تعدادی حدود ۱۵۰ نفر که بیشتر آنها ایرانیان پناهنده و تبعیدی بودند در مقابل این بانک در هامبورگ تجمع کرده و خواهان بسته شدن این بانک شدند. مینا احدی فعال سیاسی سرشناس ایرانی و سخنگوی یک سازمان چپ، به نام "حزب کمونیست کارگری ایران" فضای سرد و برف و سوز سرمای دیر آمده زمستانی در هامبورگ را که تا مغز استخوان تظاهرات کنندگان نفوذ میکرد را با سخنان آتشین خود علیه حکومت اسلامی گرم میکرد. این فعاليتها و اعمال فشار دول اروپایی به بسته شدن این بانک انجامید.

تظاهراتهای این چنینی نباشد. اما بهر حال دولت آلمان مجبور میشود بعد از مقاومت فراوان بانک "ای آی ایچ" بانک تجارت ایران و اروپا را ببندد و این بانک را در لیست تحریمهایی که از سوی اتحادیه اروپا اعمال میشود، قرار دهد. اگر این تصمیم امروز از سوی شورای وزیران خارج تایید شود، معنای آن اینست که دیگر کار این موسسه پولی تمام میشود. موسسه ای که مورد اعتراض فراوان بود و گفته میشد که یک رل حیاتی در تامین مالی پروژه هسته ای جمهوری اسلامی ایران بازی میکند. هیچکس فکر نمیکرد روزی

سایت ولت اونلین در روز ۲۳ ماه مه مطلبی دارد به قلم ریچارد هرتسینگر که بخشی از آن توسط کمیته بین المللی علیه اعدام از آلمانی به فارسی ترجمه شده است.

فعالین از مدتها قبل اینرا درخواست میکردند.

بعد از مقاومت‌های بسیار، دولت آلمان مجبور میشود تحت فشار دوستان غربی خود این بانک را ببندد.

یک معامله اقتصادی در مورد نفت بین ایران و هند، دولت آلمان و بانک مرکزی آلمانی را بدنام میکند.

ممکن است این تصمیم دولت آلمان مستقیما به خاطر

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**



## خانواده فتحی خواهان اعزام یک هیئت از سوی سازمان ملل برای رسیدگی به اعدام وحشیانه فرزندان خود هستند



جمهوری اسلامی ایران روز سه شنبه ۱۷ ماه مه دو برادر محمد و عبدالله فتحی ۲۸ و ۲۹ ساله را در زندان اصفهان اعدام کرد. خانواده این دو جوان خواهان پیگیری این پرونده هستند و پدر آنها بیژن فتحی اخیراً نامه ای به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال کرده، که در اینجا متن فارسی و انگلیسی این نامه و همچنین شکایت نامه عبدالله فتحی در مورد شکنجه و رفتار ظالمانه علیه او در زندان که ضمیمه این نامه برای مقامات سازمان ملل ارسال شده است را، برای اطلاع عموم منتشر میکنیم. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که به یاری این خانواده شتافته و کمک کنند که موضوع این اعدام و اعدامهای گسترده در ایران، مورد اعتراض نهادهای بین المللی قرار گرفته و سازمان ملل به خواست پدر این دو جوان عکس العمل فوری و مناسب نشان دهد.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۷ ماه مه ۲۰۱۱

متن نامه بیژن فتحی به بان کی مون  
جناب آقای بان کی مون دبیر کل محترم سازمان ملل متحد

حاکمان ایران در جوامع بین المللی شعار دفاع از حقوق انسانها سر میدهند و شرایط ایران را به گونه ای جلوه میدهند که مردم با آسودگی و بدور از هیچ مشکلی زندگی میکنند. در صورتیکه مردم ایران از حقوق

مقررات معمول و روند قانونی از قبیل ابلاغ حکم به زندانی، حضور وکیل و دادستان در مراسم اعدام، انجام شده است. اجرای حکم اعدام با چنان تعجیلی صورت گرفت که تردیدی باقی نمی گذارد بر اینکه مقامات قضایی و امنیتی کشور به منظور بهره برداری های سیاسی و امنیتی در راستای تداوم رعب و وحشت در جامعه، اهداف خود را عملی سازند.

من به عنوان پدری که بیش از سی سال از عمرش را در امر آموزش کودکان کشور سپری کرده ام اعدام فرزندانم را یک جنایت عمد دانسته و بدین وسیله از آن مقام محترم و نهاد های بین المللی میخوام جهت رسیدگی فوری این اقدام (اعدام دو فرزندم) که نقض آشکار حقوق بشری باشد با تشکیل یک هیئت تحقیق

مستقل، از حقوق دو جوان که اکنون در این دنیا نیستند دفاع نمایند. با توجه به فضای دیکتاتوری و امنیتی ایران بسیاری از خانواده ها فرزندان خود را زیر اعدام به جرم های واهی از دست داده و متأسفانه هیچ اقدام قانونی تاکنون صورت نگرفته است و بسیاری از آنان بدلیل ترس و فشار های فراوان جرات دفاع و فاش ساختن این فجایع را نداشتند.

با امید به اینکه از تکرار احکام و اجرای ظالمانه و غیر قانونی و غیر انسانی در ایران جلوگیری و به اطلاع دولت ها و مردم دنیا برسانید.

همچنین با توجه به اتفاقات بعد از اعدام و مراسم خاک سپاری فرزندانم که به احضار همسر و تهدیدات مسئولین و دستگیری بعضی از افراد، منجر شده است، جان خانواده ام در خطر می باشد. در ضمن دفاثیه یکی از فرزندانم که سه ماه قبل از اعدام به مسئولین نوشته شده است خدمتتان ارسال میکنم.

با احترام بیژن فتحی پدر محمد و عبدالله فتحی

## روز حمایت از زندانیان سیاسی در ایران ...

از صفحه ۱

بیستم ژوئن می تواند و باید به یک جهش اساسی و بزرگ برای محکوم کردن کل حاکمیت جمهوری اسلامی برای ۳۲ سال شکنجه و زندان و اعدام بدل گردد، سران این حکومت و همه عاملین و آمرین کشتار مردم باید بجرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای بین المللی محاکمه گردند.

اعتراضات در بیستم ژوئن فقط به خارج کشور محدود نمیگردد! مردم مبارز و آزادیخواه ایران و خانواده های زندانیان سیاسی که علیرغم همه موانع و فشارهای طاقت فرسای امنیتی با تجمع و گردهمایی های پرشور خود در مقابل درب زندانها صدای زندانیان سیاسی بوده اند، باید با سازمان دادن اعتراضات وسیعتر و سراسری در مقابل درب زندانها، در کل کشور

کمیته بین المللی دفاع از زندانیان سیاسی  
۲۹ ماه مه ۲۰۱۱  
۹ خرداد ۱۳۹۰

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زنده باد آزادی بی قید و شرط سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران



کارگر زندانی آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

## منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی باید پرچم خود را برافرازد!

اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور، مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری میرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستهای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۷ فروردین ۱۳۹۰  
۲۷ مارس ۲۰۱۱



جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آنرا تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی  
۲- لغو مجازات اعدام.  
۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.  
۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد  
۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان،

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی  
سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت  
۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند  
۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت  
۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم  
۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

#### سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

#### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

#### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

#### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

#### شماره حساب انگلیس

#### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۳۹۸۶۸۰۵۱

#### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

#### از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

New Channel TV  
کاتال جلائی  
۹ و نیم تا ۱۲ و نیم شب  
به وقت ایران  
هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴  
آف ای سی ۵/۶ شبکه KBC  
پلاریزاسیون: افقی  
سمبل ریت: ۲۷۵۰۰

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!